

علی بن حدید مدائنی، راوی موثق امامی

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۹

علی محمد میرجلیلی^۱
احمد زارع زردینی^۲
محمد مهدی خیر^۳

چکیده

علی بن حدید از راویان برجسته اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری است که در کتب رجال از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام شمرده شده است. وی کتابی تألیف نموده و در کتب اربعه حدود دویست روایت از ایشان نقل شده که در مواردی نیز صاحبان کتب اربعه بر اساس آن فتوا داده‌اند. شیخ طوسی در سه مورد از تهذیب الاحکام و الاستبصار حکم به تضعیف او داده است. همین امر سبب شده تا عدم وثاقت علی بن حدید، نظر مشهور علمای متأخر گردد. البته، در میان علمای متأخر افرادی چون محدث نوری و به تبع او، سید حکیم به اعتبار حدیثی او حکم داده‌اند. این پژوهش سعی دارد مذهب و وثاقت یا عدم وثاقت علی بن حدید را مشخص سازد. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که علی بن حدید راوی موثق امامی مذهب بوده و روایاتش دارای اعتبار هستند. کلیدواژه‌ها: علم رجال، رجال شناسی، علی بن حدید، وثاقت.

۱. دانشیار دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول) almirjalil@meybod.ac.ir.

۲. استادیار دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران (zarezdini@meybod.ac.ir).

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، kheibarmohammadmehdi@yahoo.com.

۱. مقدمه و طرح مسأله

اهل بیت علیهم السلام شأن و جایگاه افراد را به میزان نقل روایت از خودشان گره زده‌اند:

اعْرِفُوا مَنَازِلَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ رِوَايَتِهِمْ عَنَّا.^۴

از این منظر، راویان از جایگاه والایی نزد ائمه علیهم السلام برخوردارند و سنجش اعتبار راویان و روایاتی که از طریق آنان نقل شده، نوعی صیانت از احادیث آن بزرگواران علیهم السلام محسوب می‌شود. از جمله این راویان علی بن حدید بن حکیم مدائنی است که شیخ طوسی گرچه در کتاب‌های «رجال» و «الفهرست» اش او را تضعیف نکرده، ولی در تهذیب الاحکام و الاستبصار در سه مورد حکم به ضعف او داده است. همین امر سبب شده تا عدم وثاقت وی، نظر مشهور علمای متأخر گردد. البته در میان علمای متأخر افرادی چون محدث نوری^۵ و به تبع او، سید حکیم^۶ به اعتبار حدیثی او حکم داده‌اند. این پژوهش سعی دارد وثاقت یا عدم وثاقت وی را مشخص سازد. قابل ذکر است که با توجه به کثرت روایات وی، نتیجه این پژوهش قابل توجه است.

۲. پیشینه بحث

برخی صاحبان کتب رجالی متأخر به صورت گذرا و با رویکردی غالباً توصیفی در صدد اعتبارسنجی شخصیت و روایات علی بن حدید برآمده‌اند؛ اما به صورت متمرکز هیچ پژوهش مستقل و مفصلی در خصوص شخصیت رجالی و اعتبار روایات علی بن حدید به رشته تحریر در نیامده است، ولی در کتب رجال، به صورت کوتاه درباره نامبرده مطالبی وجود دارد که موارد ذیل از این قبیل است:

- الف. محمد مهدی بحر العلوم در کتاب الفوائد الرجالية، ج ۱، ص ۴۰۰ - ۴۰۶ در ضمن یادکرد از خاندان بنو حکیم ازدی مدائنی، به توثیق او پرداخته است.
- ب. حسین بن محمد تقی نوری در خاتمه کتاب مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۵، ص ۳۳۳-۳۳۸ اعتبار حدیثی علی بن حدید را بررسی کرده است.
- ج. جعفر سبحانی تبریزی در کتاب کلیات فی علم الرجال، ص ۲۴۱-۲۴۳ در مقام دفاع از

۴. الکافی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۳۵.

۶. مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۴، ص ۵۸۵.

وثاقت علی بن حدید برآمده است.

- د. ابوالقاسم خویی در کتاب معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱۲، ص ۳۲۹ - ۳۳۵ حکم به تضعیف او داده است.
- ه. مسلم داوری در کتاب اصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق، ج ۲، ص ۳۹۰-۳۹۶، پس از ذکر نظریات رجالیان درباره علی بن حدید، اعتبار روایات او را بررسی کرده است.

۳. شرح حال علی بن حدید در کتب رجال

در رجال الکشی از وی با عنوان «علی بن حدید بن حکیم» یاد شده و به نقل از نصر بن صبح آمده است که وی اهل کوفه، فطحی مذهب و از اصحاب امام رضا علیه السلام بوده است:

علی بن حدید بن حکیم، فطحی من أهل الكوفة و كان أدرك الرضا عليه السلام.^۷

شیخ طوسی در کتاب رجال خویش، علاوه بر اطلاعات کشی، داده‌های افزون‌تری نظیر قبیل و محل رشد و تربیت یافتگی او را نیز ارائه داده و گفته است:

علی بن حدید بن حکیم، کوفی، مولی الأزد و كان منزله و منشؤه بالمدائن.^۸

این اطلاعات افزوده از سوی شیخ طوسی به دلیل آن است که وی متأخر از کشی است و طبیعی است که اطلاعات کشی را در اختیار داشته و خود مطالبی بر آن افزوده است. قابل ذکر است که شیخ طوسی کتاب اختیار معرفة الرجال را در سال ۴۵۶ ق، و در اواخر عمرش تهذیب و تنظیم کرده است.^۹

رجال النجاشی داده‌های کامل‌تری را نسبت به شیخ در اختیار مخاطب قرار داده و علاوه بر بیان دقیق‌تر بوم زیست علی بن حدید [السبابی]، کتاب او را نیز با ذکر سند گزارش داده و وی را در زمره اصحاب امام کاظم علیه السلام معرفی نموده است:

علی بن حدید بن حکیم المدائنی^{۱۰} الأزدی السبابی^{۱۱}: روی عن أبي الحسن

۷. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۴۰.

۸. رجال الطوسی، ص ۳۶۰.

۹. فرج المهموم، ص ۱۳۰.

۱۰. مدائن منطقه‌ای قدیمی کنار رود دجله و در سیطره پادشاهان ایران باستان بوده که هفت فرسخ از بغداد فاصله داشته است (الأنساب، ج ۵، ص ۲۳۰).

۱۱. سباط از توابع مدائن بوده است (رک: معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۶۶؛ منهج المقال، ج ۲، ص ۲۸۷).

موسی علیه السلام له کتاب أخبرنا أبو عبد الله بن شاذان قال: حدثنا علی بن حاتم قال: حدثنا الحمیری قال: حدثنا أبي، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن علی بن فضال، عن علی بن حدید بكتابه.^{۱۲}

از آنجا که میزان داده‌های محقق رجالی درباره راویان را می‌توان معیاری برای سنجش تخصص او در علم رجال دانست، شاید یکی از دلایل برتری نظریات نجاشی بر آرای شیخ طوسی از نظر علمای رجال، ارائه اطلاعات دقیق‌تر در باره راوی از سوی نجاشی باشد.

۴. عصر حیات وی، سن و زمان فوتش

کشی او را از اصحاب امام رضا علیه السلام: «علی بن حدید بن حکیم... کان أدرك الرضا علیه السلام»^{۱۳} و نجاشی از اصحاب امام کاظم علیه السلام دانسته است: «روی عن أبي الحسن موسى علیه السلام»^{۱۴} و البته، طبق گزارشی که در ترجمه محمد بن بشیر از سوی کشی نقل شده، علی بن حدید محضر امام کاظم علیه السلام را نیز درک نموده است: «سمعت من سأل أبا الحسن علیه السلام...»^{۱۵}. برقی او را از اصحاب امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام دانسته است.^{۱۶} همچنین، اقامت علی بن حدید در شهر مدینه به سال ۲۱۳ ق، و استفتای کتبی از امام جواد علیه السلام در باب افضلیت خروج یا اقامت در شهر مدینه برای انجام عمره ماه مبارک رمضان مؤید مصاحبت وی با آن حضرت است.^{۱۷} از سویی، با جستجویی که در اسناد روایات علی بن حدید صورت گرفت، به دست آمد که مرویات او از امام صادق علیه السلام با یک تا سه واسطه نقل شده‌اند و آنچه مسلم است، قطعاً محضر امام ششم را درک نکرده است. صاحب کتاب *بحوث فی علم الرجال*، علی بن حدید را به همراه جمعی دیگر از راویان از طبقه ششم روات دانسته و معتقد است که «ولادت غالب راویان این طبقه بین سال‌های ۱۴۵ تا ۱۶۰ ه. ق، و وفات آن‌ها بین سال‌های

۱۲. رجال النجاشی، ص ۲۷۴.

۱۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۴۰.

۱۴. رجال النجاشی، ص ۲۷۴.

۱۵. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۷۸.

۱۶. رجال البرقی، ص ۵۵.

۱۷. عن علی بن حدید، قال: كنت مقيماً بالمدينة في شهر رمضان سنة ثلاث عشر ومائتين فلما قرب الفطر كتبت الى أبي جعفر ۷ أسأله عن الخروج في عمرة شهر رمضان أفضل، أو أقیم حتى ينقض الشهر وأتم صومي؟ فكتب اليّ كتاباً قرأته بخطه علیه السلام: ... عمرة شهر رمضان أفضل (الكافي، ج ۹، ص ۲۱۲).

۲۱۰ تا ۲۲۰ ق، بوده است؛^{۱۸} با آن که وفات امام صادق علیه السلام به سال ۱۴۸ ق، است.

۵. آثار و نوشته‌ها و کتب وی

نجاشی^{۱۹} و شیخ طوسی در «الفهرست»^{۲۰} تألیف کتابی از علی بن حدید را گزارش داده‌اند، اما در خصوص عنوان کتاب یا محتوای آن مطلبی بیان نشده است. با توجه به فقهی بودن غالب روایات منقول از علی بن حدید که نشان از مشرب فقهی او دارد، به نظر می‌رسد کتابش نیز مشتمل بر روایات فقهی بوده است.

۶. میزان روایت وی از هر یک از ائمه علیهم السلام

تعداد روایات منقول از طریق علی بن حدید از ائمه معاصرش و یا با واسطه مشایخش از ائمه غیر معاصرش در کتب اربعه فراوان است در ادامه تعداد مرویات علی بن حدید از هر یک از ائمه علیهم السلام به صورت ذیل ارائه می‌شود:

نام راوی	امام سجاده <small>علیه السلام</small>	امام باقر <small>علیه السلام</small>	امام صادق <small>علیه السلام</small>	احدهما (امام باقر یا امام صادق <small>علیهم السلام</small>)	امام کاظم <small>علیه السلام</small>	امام رضا <small>علیه السلام</small>	امام جواد <small>علیه السلام</small>	مرسل
علی بن حدید	۳	۶۳	۱۰۵	۵۴	۲	۳	۱	۹

۷. مشایخ و میزان روایت وی از هر یک

نویسنده کتاب *معجم رجال الحدیث علی بن حدید را از اصحاب امام کاظم، امام رضا، ابی جعفر الثانی (امام جواد) علیهم السلام و مشایخ روایی وی را به شرح ذیل دانسته است:*
 أبوالمعزی، جمیل بن درّاج، حماد بن عیسی، سماعة بن مهران، سیف بن عمیرة، عثمان بن رشید، علی بن النعمان، محمد بن إسحاق، محمد بن مسلم، مرزم بن حکیم، منصور بن روح و منصور بن یونس معرفی کرده است.^{۲۱}

اما با جستجو در سند روایات منقول از علی بن حدید در منابع روایی بر مشایخ زیر نیز دست یافتیم که عبارت‌اند از: أبوأسامه،^{۲۲} محمد بن سنان،^{۲۳} علی بن میسر^{۲۴} و علی بن

۱۸. بحوث فی علم الرجال، ص ۱۳۹.

۱۹. رجال النجاشی، ص ۲۷۴.

۲۰. الفهرست، ص ۲۶۷.

۲۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۳۳۱.

۲۲. المحاسن، ج ۱، ص ۱۸.

میمون.^{۲۵}

البته نام فرد دیگری به نام «محمد بن سلیمان» نیز یافت شد^{۲۶} که به احتمال قریب به یقین همان «محمد بن سنان» است؛ زیرا در سند همین روایت در منابع روایی قبل از تهذیب الأحکام، به جای «محمد بن سلیمان»، نام «محمد بن سنان» آمده است؛^{۲۷} بلکه خود شیخ طوسی نیز در جای دیگری، در سند همین روایت، به جای «محمد بن سلیمان»، نام «محمد بن سنان» را ثبت کرده است.^{۲۸}

شایان توجه است که در دو طریق از اسناد شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه نام علی بن حدید وجود دارد:

طریق نخست، طریق به حریز بن عبدالله است؛ آنجا که گفته:

وما کان فیہ، عن حریز بن عبد الله فقد رویتہ عن أبی؛ و محمد بن الحسن - رضی الله عنہما - عن سعد بن عبد الله و الحمیری و محمد بن یحیی العطار و أحمد بن إدريس، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن سعید و علی بن حدید و عبد الرحمن ابن أبی نجران، عن حماد بن عیسی الجهنی، عن حریز بن عبد الله السجستانی.^{۲۹}

البته، این سند شامل روایات حریز در باب زکات نمی‌گردد؛ زیرا شیخ صدوق روایات حریز در باب زکات را از طریقی دیگر نقل نموده که در آن نامی از علی بن حدید دیده نمی‌شود.^{۳۰} به همین جهت روایاتی که از طریق حریز بن عبدالله در کتاب من لا یحضره الفقیه در باب زکات آمده، در زمره مرویات علی بن حدید قرار نمی‌گیرد. طریق دوم، طریق به منصور بن یونس است؛ آنجا که گفته است:

۲۳. کتاب المزار، ص ۶؛ تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۴؛ المزار الکبیر، ص ۱۱۴.

۲۴. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۵.

۲۵. همان، ج ۱۰، ص ۳۳۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۱۱.

۲۶. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۲.

۲۷. کامل الزیارات، ص ۲۷؛ کتاب المزار، ص ۶.

۲۸. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۴.

۲۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۳.

۳۰. [بیان الطریق إلى حریز بن عبد الله فی - الزکاة]؛ و ما کان فیہ عن حریز بن عبد الله فی - الزکاة - فقد رویتہ عن محمد بن الحسن - رضی الله عنہ - عن محمد بن الحسن الصفار، عن العباس بن معروف، عن إسماعیل ابن سهل، عن حماد بن عیسی، عن حریز بن عبد الله. و رویتہ عن أبی - رضی الله عنہ - عن علی بن إبراهیم، عن أبیہ، عن حماد، عن حریز (همان، ج ۴، ص ۴۴۳-۴۴۴).

و ما كان فيه عن منصور بن يونس فقد روّيته عن أبي - رضی الله عنه - عن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن حديد؛ و محمد بن إسماعيل ابن بزيع جميعا عن منصور بن يونس بزرج»^{۳۱}.

بدین ترتیب، مجموع روایات علی بن حدید در کتاب من لا یحضره الفقیه از طرق حرزین عبدالله و منصور بن یونس به ۴۹ روایت می‌رسد.

نتیجه آن‌که، روایات علی بن حدید در کتاب الکافی ۱۹۰ روایت؛ کتاب تهذیب الأحکام هشتاد روایت؛ کتاب الإستبصار ۳۵ روایت و کتاب من لا یحضره الفقیه ۴۹ روایت است که تعداد روایات او از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام و هر یک از مشایخش در کتب اربعه به قرار زیر است:

ردیف	نام مشایخ علی بن حدید	تعداد روایات	ردیف	نام مشایخ علی بن حدید	ردیف
۱	امام رضا <small>علیه‌السلام</small>	۴	۱۲	ابی المعزی	۱
۲	امام جواد <small>علیه‌السلام</small>	۱	۱۳	علی بن میمون	۱
۳	جمیل بن دراج	۹۶	۱۴	عبدالکریم بن عمرو خثعمی	۱
۴	حمّاد بن عیسی	۷۳	۱۵	عثمان بن رشید	۱
۵	مرازم بن حکیم	۱۸	۱۶	عبدالله بن جندب	۱
۶	منصور بن یونس	۹	۱۷	محمد بن اسحاق بن عمار	۱
۷	علی بن نعمان	۸	۱۸	حرزین عبدالله	۱
۸	سیف بن عمیره	۳	۱۹	أبوالمعزی	۱
۹	زراره	۲	۲۰	علی بن میسر	۱
۱۰	محمد بن سنان	۲	۲۱	روایات مرسل	۱۳
۱۱	سماعة بن مهران	۱			
جمع روایات علی بن حدید در کتب اربعه			۲۴۰		

از آنجا که علی بن حدید از راویان برجسته‌ای چون جمیل بن دراج، حمّاد بن عیسی، زراه، سماعة بن مهران، حرزین عبدالله و... نقل حدیث کرده است [و برخی از آن‌ها از اصحاب اجماع هستند]، اعتبار شخص وی در قبول روایات منقول از این بزرگان نقش اساسی دارد.

۰۸. راویان از علی بن حدید

اسامی کسانی که در کتاب معجم رجال الحدیث به عنوان راویان از علی بن حدید معرفی شده‌اند، عبارت‌اند از: ابن ابی عمیر، ابراهیم بن هاشم، احمد بن محمد بن جعفر،

۳۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۸۵.

احمد بن محمد بن خالد، احمد بن محمد بن عیسی، حسین بن سعید، سعد بن عبد الله، علی بن اسماعیل میثمی، علی بن مهزیار، محمد بن حسین، محمد بن عبد الجبار، محمد بن عبد الرحمن، محمد بن عبد الله و محمد بن عیسی.^{۳۲} با جستجو در اسناد روایاتی که از طریق علی بن حدید در منابع روایی نقل شده، به دست آمد که آقای خوبی علاوه بر او یان بلا واسطه، نام برخی از روایات با واسطه او نظیر ابراهیم بن هاشم، سعد بن عبد الله، علی بن اسماعیل میثمی و دیگران را در شمار راویان وی قرار داده است. راویان بلا واسطه از علی بن حدید عبارت اند از: حسین بن سعید، سهل بن زیاد، محمد بن حصین، احمد بن محمد بن حسین، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، محمد بن عبد الجبار، محمد بن عبد الله، ابن جمهور، ابن ابی عمیر، علی بن مهزیار و احمد بن ابی عبد الله.

نقل راویانی چون احمد بن محمد بن عیسی از علی بن حدید خود می تواند قرینه ای بر وثاقت وی باشد. چنان که مشهور است، احمد بن محمد بن عیسی در نقل روایت بسیار دقت داشت و از نقل از ضعفا پرهیز می نمود. به همین جهت، برخی را به جرم نقل از ضعفا از قم اخراج کرد.^{۳۳}

۹. اعتبار سنجی شخصیت رجالی علی بن حدید

درباره اعتبار رجالی علی بن حدید دو دیدگاه مطرح است: عده ای از علما با تکیه بر تضعیف شیخ طوسی، به ضعف علی بن حدید و در نتیجه، عدم اعتبار روایات او حکم داده اند. در مقابل، برخی دیگر با ذکر دلایلی، وی را موثق و روایاتش را معتبر دانسته اند. در ادامه، این دو دیدگاه مورد بررسی قرار می گیرد.

۹-۱. تضعیف

با بررسی نظر علمای رجال درباره علی بن حدید به دست می آید که تضعیف شیخ طوسی در تهذیب الاحکام والاستبصار^{۳۴} سبب شده تا عدم وثاقت علی بن حدید، نظر مشهور علمای متأخر گردد. سید بحرالعلوم در کتاب «رجال» اش، دلیل اشتهاار ضعف علی بن حدید را تضعیف شیخ درباره او عنوان کرده و گفته است:

۳۲. معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۳۳۱.

۳۳. الاستبصار، ج ۴، ص ۳۱۵؛ الرجال (ابن الفضائری)، ص ۶۷.

۳۴. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۰۱؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۴۰ و ج ۳، ص ۹۵.

... و بالجملة، فالاصل في تضعيف هذا الرجل [علي بن حديد] واشتهاره بذلك: هو الشيخ في كتابي الأخبار.^{٣٥}

بدین ترتیب، علمای برجسته‌ای نظیر محقق،^{٣٦} علامه حلی،^{٣٧} شهید ثانی،^{٣٨} محقق اردبیلی،^{٣٩} محقق سبزواری،^{٤٠} بحرانی،^{٤١} صاحب جواهر^{٤٢} و شیخ انصاری^{٤٣} - که قایل به عدم وثاقت علی بن حدید شده‌اند - هر کدام به حکم شیخ طوسی در تهذیب الاحکام و الاستبصار استناد کرده‌اند. صاحب کتاب الضعفاء من رجال الحدیث پس از بیان دو روایت و گزارش مدح گونه‌ای که در رجال الکشی آمده، علی بن حدید را ضعیف دانسته و گفته است: با این روایات وثاقت علی بن حدید ثابت نمی‌شود؛ زیرا یقین به صدور آن‌ها از معصوم به دلیل ضعف سندشان نداریم.^{٤٤}

به علاوه، گفته شده که ملاقات علی بن حدید با امام جواد علیه السلام در مدینه و بخشش امام به او^{٤٥} دلالت بر وثاقت وی ندارد؛ هرچند این روایت نشان‌گر توجه امام جواد علیه السلام به اوست، ولی دارای سند ارزشمندی نیست.^{٤٦} آیه الله سیستانی نیز در کتاب رجالی خویش، با تکیه بر دیدگاه شیخ طوسی در تضعیف علی بن حدید، روایات علی بن حدید را غیر قابل اعتماد دانسته است:

و هو ممن قد قدح فيه الشيخ قائلًا: (هو مضعف جداً) و علی ذلك فلا سبیل إلى

٣٥. رجال السيد بحر العلوم (الفوائد الرجالية)، ج ١، ص ٤٠٣.

٣٦. المعتمد، ج ١، ص ٤٩.

٣٧. مختلف الشيعة، ج ٣، ص ١٣٤.

٣٨. مسالك الافهام، ج ٣، ص ٣٢٢.

٣٩. مجمع الفائدة، ج ٣، ص ١٨٠.

٤٠. ذخيرة المعاد، ج ١، ص ١٢٥.

٤١. الحقائق الناظرة، ج ١٩، ص ١٧٧.

٤٢. جواهر الكلام، ج ٦، ص ١٢٦.

٤٣. احكام الخلل في الصلاة، ص ١٥٦.

٤٤. الضعفاء من رجال الحدیث، ج ٢، ص ٣٨٧.

٤٥. بحار الانوار، ج ٥٠، ص ٤٤.

٤٦. اصول علم الرجال بين النظرية والتطبيق، ج ٢، ص ٣٩٣.

الإعتماد علی روایتہ.^{۴۷}

با توجه به این که خاستگاه و آبشخور تضعیف علی بن حدید، گفته شیخ طوسی است، در این مقاله، با تمرکز بر مستندات شیخ در تضعیف علی بن حدید، در ضمن دلایل چهارگانه زیر، به نقد این دیدگاه پرداخته می شود:

اولاً: شیخ طوسی و نجاشی هم عصر و دارای اساتید و مشایخ واحد و هر دو ساکن یک شهر (بغداد) بوده اند؛ با این تفاوت که نجاشی نسبت به شیخ در علم رجال تخصص بیشتری داشته^{۴۸} و عمده تلاش علمی و همت خود را بر این علم نهاده است و به طور طبیعی بیشتر از شیخ طوسی که در علوم مختلف وارد شده، بدنبال منابع مرتبط با توثیق یا تضعیف راویان بوده است. بنا بر این، عدم دسترسی نجاشی، حداقل به یکی از آن منابع، غیرممکن می نماید؛ زیرا در صورت دسترسی نجاشی به آن کتب، قطعاً نظریات دیگر علمای رجالی متقدم را مبنی بر تضعیف علی بن حدید در کتاب رجالش وارد می کرد.

ثانیاً: نخستین اشکال وارد بر شیخ در تضعیف علی بن حدید، اعتقاد به وثاقت نصر بن صباح بوده است. البته، گرچه شیخ طوسی در هیچ یک از کتبش به وثاقت نصر بن صباح کوچک ترین اشاره ای نکرده است، اما با بهره گیری از روش «تحلیل ساختاری» می توان به این مبنای شیخ طوسی دست یافت.

توضیح آن که، از جمله روش هایی که در تحلیل نمونه های کاربردی واژگان یا جملات در متون کارایی دارد، تحلیل ساختاری است. در این گونه تحلیل ها ما با دو اصطلاح (Selection) و (Combination) مواجهیم که در زبان فارسی از این دو با عناوین «هم نشینی» و «جانشینی» تعبیر می شود. در رابطه هم نشینی واژگان یا جملات، وقتی چند مفهوم در کنار یکدیگر قرار می گیرند و یک عبارت را به وجود می آورند، روابط متعددی میان آن ها قابل طرح است که از جمله آنها، رابطه تشدید (Resonance relation) است. در این نوع رابطه، دو یا چند واژه یا جمله، اثر همدیگر را تشدید کرده و در واقع به هم جود داده و فضای همدیگر را تقویت می کنند. با بهره گیری از این رویکرد، می توان از خلال گزارش های محققان رجالی درباره یک راوی، میزان اعتبار راوی را نزد آنان بررسی کرد. گزارش های شیخ طوسی و نجاشی درباره نصر بن صباح با همین رویکرد مورد مطالعه قرار گرفته و نتایج ذیل به

۴۷. قیسات من علم الرجال، ج ۱، ص ۴۳۷.

۴۸. کلیات فی علم الرجال، ص ۶۱-۶۳.

دست آمده است:

با تأمل در گزارش شیخ طوسی برای معرفی نصر بن صبح به دست می‌آید که شیخ طوسی، نخست ملاقات او را با مشایخ و علمای عصر خویش - که دلالت بر گونه‌ای اعتباربخشی دارد - در اولویت گزارش خویش آورده است:

نصر بن الصَّبَّاح: یکنی أبا القاسم، من أهل بلخ، لقی جلة من كان فی عصره من المشایخ و العلماء و روی عنهم.^{۴۹}

سپس در ادامه، تضعیف او را با فعل مجهول «قیل» - که مُشعر به کم‌رنگ جلوه دادن ضعف اعتبار او دارد - همراه می‌کند:

...إلا أنه قیل: إنه كان من الطیارة، غال.^{۵۰}

به نظر می‌رسد تلاش‌های شیخ طوسی برای دست‌یابی به مستندات بیشتر در جهت تقویت وثاقت نصر بن صبح بی‌نتیجه مانده و همین امر سبب شده تا او دیدگاه‌های رجالی خود را در قالب چینش جملات گزارش منعکس کند. به عبارتی، شیوه چینش جملات در گزارش شیخ طوسی [اولویت دادن به عبارات دال بر اعتبار نصر بن صباح و کم‌رنگ جلوه دادن عبارات دال بر تضعیف] موجب شده تا گزارش او از یک گزارش توصیفی محض، خارج شده و کاملاً جهت‌گیرانه و برای اعتبار دادن به وثاقت نصر بن صباح باشد. در واقع، رابطه تشدید می‌بین جملات گزارش، حاکی از آن است که شیخ طوسی نه تنها نظر علمای رجالی در تضعیف نصر بن صباح را با دیده تردید می‌نگریسته و اعتقاد چندانی به ضعف او نداشته است، بلکه درصدد تقویت وثاقت نصر بن صباح نیز بوده است. در مجموع، گزارش بازگوکننده تلاش شیخ طوسی برای وثاقت‌دهی به نصر بن صباح اوست.

اما نجاشی در ترجمه نصر بن صباح، در آغاز کلام و با صراحت، او را غالی مذهب نامیده و در ادامه گزارش، دیگر خصوصیات او را - که ارتباط چندانی با وثاقتش ندارد - بیان می‌کند:

نصر بن صَّبَّاح أبو القاسم البلخی: غال المذهب. روی عنه الكشي له كتب، منها: كتاب معرفة الناقلين، كتاب فرق الشيعة. أخبرنا الحسين بن أحمد بن هدية قال: حدثنا

۴۹. رجال الطوسی، ص ۴۴۹.

۵۰. همانجا.

جعفر بن محمد قال: حدثنا محمد بن عمر بن عبد العزيز الكشي عنه.^{۵۱}

بنا بر این، با جرأت می توان گفت که شیوه گزارش دهی نجاشی ترسیم گراعتقادی است که نسبت به تضعیف نصر بن صباح داشته است. بالتبع، نجاشی برگفته های رجالی نصر بن صباح نیز بی اعتماد بوده است؛ به عنوان نمونه، نصر بن صباح در خصوص سهل بن زیاد، با ذکر مشایخ بزرگوار وی، به دنبال توثیق تلویحی او نیز برآمده است:

سهل بن زیاد الرازی أبو سعید الادمی یروی عن أبی جعفر وأبی الحسن وأبی محمد صلوات الله علیهم.^{۵۲}

این شیوه گزارش دهی نصر بن صباح از دید محقق نوری دور نمانده و به صراحت گفته است:

تتبع در کلمات رجالیون نشان می دهد که این گونه تعبیر دلالت بر مدح راوی دارد.^{۵۳}

با این وجود، نجاشی بدون اشاره به نقل نصر بن صباح، سهل بن زیاد را در نقل روایت، ضعیف و غیر قابل اعتماد معرفی کرده است:

کان ضعيفا فی الحدیث، غیر معتمد فیه.^{۵۴}

بنا بر این، نصر بن صباح نزد شیخ طوسی دارای وثاقت و اعتبار بوده که بدون تردید این وثاقت، نمی تواند در تضعیف علی بن حدید بی تأثیر بوده باشد.

ثالثاً: دومین ایراد وارد بر شیخ طوسی، اعتماد بر نقل نصر بن صباح است. این ایراد از دید صاحب مستدرک الوسائل دور نمانده و در این باره گفته است:

و من جمیع ذلك ظهر أن مراد الشيخ من الضعف الذي نسبة الى علي بن حدید لا بدّ وان يكون الضعف في المذهب و الفطحية - التي نسبها اليه نصر الغالی عند

۵۱. رجال النجاشی، ص ۴۲۸.

۵۲. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۳۷.

۵۳. نوری پس از نقل کلام کشی درباره سهل بن زیاد الادمی ابي سعید که به نقل از نصر بن صباح وی را از راویان سه تن از ائمه دانسته است، می گوید: «و لا یخفی علی من أنس بكلماتهم أنهم یذكرون ذلك فی مقام مدح الراوی و علو مقامه» (مستدرک الوسائل، ج ۲۳، ص ۲۱۶).

۵۴. رجال النجاشی، ص ۱۸۵.

الکشی.^{۵۵}

در واقع، توجه به مبانی و اصطلاحات به‌کار گرفته شده توسط شیخ طوسی در تضعیف راویان نشان می‌دهد که فطحی بودن علی بن حدید در نقل نصر بن صبح تنها نکته‌ای است که شیخ طوسی براساس آن، حکم به تضعیف علی بن حدید داده است، زیرا شیخ در تضعیف علی بن حدید از تعبیری استفاده کرده که دقیقاً همان تعبیر را در مورد عمار بن موسی ساباطی فطحی مذهب به‌کار برده است، آنجا که گفته:

وَ هَذِهِ الْأَخْبَارُ... فِيهَا عَمَّاؤُ بَنُ مُوسَى السَّابَاطِي وَ هُوَ وَاحِدٌ قَدْ ضَعَّفَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَهْلِ الثَّقَلِ وَ ذَكَرُوا أَنَّ مَا يَنْفَرِدُ بِتَقْلِيلِهِ لَا يَعْمَلُ بِهِ لِأَنَّهُ كَانَ فَطْحِيًّا...^{۵۶}

همچنین، کاربست قید «بِمَا يَخْتَصُّ بِرِوَايَتِهِ» از سوی شیخ طوسی درباره راویان عامی،^{۵۷} زیدی^{۵۸} یا عالی^{۵۹} مذهب نشان می‌دهد که به هنگام تعارض روایات، شیخ به «مذهب راوی» توجه ویژه داشته و روایت راوی امامی را بر روایت معارض با آن که از یک راوی عامی، زیدی و امثال آن‌ها نقل شده، ترجیح می‌دهد.^{۶۰} برای اساس، منشأ تضعیف علی بن حدید

۵۵. خاتمه مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۵، ص ۳۳۷.

۵۶. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۰۱.

۵۷. فَهَذَا الْخَيْرُ مَحْمُولٌ عَلَى التَّقِيَّةِ لِأَنَّ زَاوِيَهُ وَهَبُ بْنُ وَهَبٍ وَ هُوَ عَائِيٌّ مَثْرُوكٌ الْعَمَلِ بِمَا يَخْتَصُّ بِرِوَايَتِهِ... (همان، ج ۱، ص ۳۲).

۵۸. وَ الزَّوَايَ لَهُ الْخَسَنُ بْنُ صَالِحٍ وَ هُوَ زَيْدِيٌّ بُثِرِيٌّ مَثْرُوكٌ الْعَمَلِ بِمَا يَخْتَصُّ بِرِوَايَتِهِ (همان، ج ۱، ص ۴۰۸).

۵۹. فَأَوْلُ مَا فِي هَذَا الْخَيْرِ أَنَّهُ ضَعِيفٌ الْإِسْتِنَادِ جِدًّا لِأَنَّ زَوَاتَهُ كُلَّهُمْ مَطْعُونُونَ عَلَيْهِمْ وَ خَاصَّةً صَاحِبِ التَّوْقِيعِ - أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ فَإِنَّهُ مَشْهُورٌ بِالْعُلُوِّ وَ اللَّغْنَةِ وَ مَا يَخْتَصُّ بِرِوَايَتِهِ... (همان، ج ۹، ص ۲۰۴).

۶۰. شیخ در کتاب *عده الأصول* فرموده است: اگر راوی از فرق شیعه غیر امامی مانند فطحیه، واقفیه و ناووسیه و دیگر فرق شیعه باشد، در روایات او دقت نظر می‌شود؛ اگر قرینه‌ای مضمون آن را تأیید کند و یا روایتی هم مضمون آن از طریق راویان موثق امامی در دست باشد، در این صورت، عمل به آن لازم است و اگر روایتی مخالف آن از طریق راویان موثق امامی رسیده باشد، در این صورت، طرح چنین روایتی لازم است و [در نتیجه،] عمل به روایت راویان ثقه امامی، لازم است. اما اگر روایتی مخالف با روایات آنان [فرق شیعی غیر امامی] وجود نداشت و از میان علمای امامیه، عمل به خلاف آن شناخته نشود، عمل به چنین روایتی لازم است؛ البته، با این شرط که راوی از دروغ پرهیز کند و در نقل روایت موثق باشد؛ هرچند که راوی مخالف با اصول اعتقادی مذهب شیعه باشد. به خاطر همین مطلبی که بیان داشتیم، علمای امامیه به روایات راویان فطحی مذهب مانند عبدالله بن بکیر و غیره، و روایات راویان واقفی مذهب مانند سماعة بن مهران و علی بن ابی حمزه و عثمان بن عیسی، و پس از این‌ها، به روایات منقول از بنو فضال و بنو سماعة و طاظریان و غیر از این‌ها در مواردی که روایتی برخلاف روایات آنان در منابع روایی شیعه وجود نداشته باشد، عمل می‌کردند (*عده الأصول*، ج ۱، ص ۳۷۹).

از سوی شیخ، فطحی بودن مذهب علی بن حدید است.

رابعاً: اشکال دیگر وارد بر شیخ، برداشت نادرست او از نقل نصر بن صباح است. به ظن شیخ، نصر بن صباح با فطحی خواندن علی بن حدید در صدد تضعیف او بوده است، ولی این برداشت طوسی از سخن نصر بن صباح صحیح نیست؛ زیرا با تدقیق در تضعیف‌های نصر بن صباح، به دست می‌آید که فطحی بودن راوی، دلالت بر ضعف او ندارد و به تنهایی موجب عدم اعتبار راوی نمی‌شود. شاهد مطلب آن‌که، نصر بن صباح پس از آن‌که عمرو بن سعید مدائنی را فطحی مذهب معرفی می‌کند، در ادامه گزارش خود اضافه می‌کند که بر گفته او اعتمادی نیست:

أما روی أبو عمرو الكشي عن نصر بن الصباح أنه فطحی، ولكن قال نصر: لا اعتمد علی قوله»^{۶۱}

اما در معرفی علی بن حدید، پس از آن‌که او را فطحی مذهب می‌خواند، عبارت «لا اعتمد علی قوله» را اضافه نمی‌کند. این امر نشان می‌دهد که از نظر نصر بن صباح می‌توان به روایات منقول از علی بن حدید فطحی مذهب اعتماد کرد. بر این اساس، نظریه تضعیف علی بن حدید از سوی شیخ غیر قابل پذیرش است.

۹-۲. توثیق

دومین دیدگاهی که درباره شخصیت رجالی علی بن حدید مطرح شده، اعتقاد به توثیق او است. برخی علمای رجال در وثاقت علی بن حدید به قرآینی همچون قرار گرفتن نام او در اسناد کتاب کامل الزیارات، آمدن نام وی در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، عدم استثنای نام او از روایان کتاب نوادر الحکمة از او استناد جسته‌اند. هر چند استنباط وثاقت علی بن حدید از دو امر اول محلّ تأمل است، ولی عدم استثنای وی از روایان نوادر الحکمة، دلیل بر وثاقت اوست.^{۶۲}

شاهد دیگر بر وثاقت علی بن حدید، چینش روایات وی در الکافی است. با مروری بر اسناد روایات الکافی روشن می‌شود که شیوه کلینی در چینش روایات هر باب آن است که ابتدا روایاتی را که از نظر سند، قوی تر هستند، می‌آورد و آنگاه روایات با اسناد ضعیف‌تر را در اولویت بعدی قرار می‌دهد. با بررسی روایات منقول از علی بن حدید در باب‌های مختلف

۶۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۰۸.

۶۲. اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۲، ص ۳۹۵-۳۹۶.

کتاب *الکافی* روشن گردید که کلینی احادیث ده باب را با روایتی که در سند آن علی بن حدید بوده، آغاز کرده است. این امر به طور ضمنی حاکی از آن است که علی بن حدید از نظر محمد بن یعقوب کلینی موثق بوده است و اگر کلینی اعتقادی به ضعف علی بن حدید داشت، قطعاً روایات منقول از او را نه در آغاز ابواب، بلکه در انتهای آن‌ها می‌آورد.^{۶۳} به علاوه، کَشّی بعد از نقل گزارش مذمت‌گونه علی بن حدید درباره یونس - که از اقتدا در نماز به یونس نهی کرده است - از این مذمت تعجب کرده و آن را به جهت حفظ جان شیعیان در مقابل ظالمان دانسته و گفته است:

ولعل هذه الروایات (أخبار الطعن فی یونس) کانت من علی مداراة لأصحابه.^{۶۴}

این تعجب و توجیه کَشّی، دلالت بر وثاقت علی بن حدید دارد.^{۶۵} صاحب کتاب *کلیات فی علم الرجال* بر پایه گزارش‌های کَشّی درباره علی بن حدید، وثاقت او را مورد توجه قرار داده است؛ آنجا که گفته است:

لم یثبت ضعف علی بن حدید، بل الظاهر عمّا رواه الكشّی وثاقته...^{۶۶}

در میان دیگر علمای متأخر افرادی چون محدث نوری^{۶۷} و به تبع او، سید محسن حکیم^{۶۸} به اعتبار حدیثی او حکم داده‌اند.

ناگفته نماند، برخی نقل ابن ابی عمیر از علی بن حدید را دلیلی بر وثاقت او دانسته‌اند^{۶۹}، اما همان‌طور که صاحب کتاب *قبسات من علم الرجال* گفته:

وقد یتوهم أنه من مشایخ ابن ابی عمیر فیکون موثقاً من هذه الجهة وفق المبنی المختار

۶۳. رک: *الکافی*، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۵۰، باب ۲۰ *الرّدّ إلى الکتاب و الشّنة...*، ج ۳، ص ۱۷۳-۱۷۴، باب ۳۳ *الخوف و الرجاء*، ج ۴، ص ۲۲۲، باب ۱۹۰ *من یهمّ بالحسنة أو السّیئة*، ج ۴، ص ۶۷۹، باب ۱ *ما یجیب من المعاشرة*، ج ۶، ص ۴۳۹، باب ۶۵ *صلاة المؤمن علی...*، ج ۱۰، ص ۲۷۰، باب ۱۰۶ *من اشترى شیئاً فتغیر عملاً رآه*، ج ۱۰، ص ۴۳۴، باب ۱۳۸ *الشّفعة*، ج ۱۱، ص ۵۴۰، باب ۲۴ *طلاق التّی لم یتلغ...*، ج ۱۴، ص ۲۱۸-۲۱۹، باب ۵۳ *من أتى حدّاً فلم یقم علیهِ الحدّ حتی تاب*، ج ۱۴، ص ۲۹۵، باب ۵ *قتل العمد و شبه العمد و الخطأ*.

۶۴. *اختیار معرفة الرجال*، ج ۲، ص ۷۸۸.

۶۵. *الفوائد الرجالية*، ج ۱، ص ۴۰۵.

۶۶. *کلیات فی علم الرجال*، ص ۲۴۱.

۶۷. *خاتمة المستدرک*، ج ۵، ص ۳۳۳.

۶۸. *المستمسک*، ج ۱۴، ص ۸۵۸.

۶۹. *خاتمة مستدرک الوسائل*، ج ۵، ص ۳۳۷؛ *مشایخ الثقات*، ص ۱۷۰.

المتکرر ذکره، ولكنه غير صحيح، لأن منشأه هو ما ورد في التذهيب من رواية (الحسين بن سعيد عن ابن أبي عمير عن علي بن حديد عن جميل بن درّاج) ولكن فيه تصحيف والصحيح (عن ابن أبي عمير وعلی بن حديد عن جميل بن درّاج) كما هو المتداول في الأسانيد وعلی ذلك فالرجل ليس من مشايخ ابن أبي عمير بل من زملائه وهما جميعاً من الطبقة السادسة.^{۷۰}

منشأ این استدلال تصحیف صورت گرفته در سند روایت موجود در تہذیب الأحکام است. از این رو، هیچ وجهی ندارد تا این استدلال دلیلی بروثاقت علی بن حدید در نظر گرفته شود.

در مجموع، با عنایت به غیر قابل پذیرش بودن نظریه تضعیف علی بن حدید و مستدل و متقن بودن استدلال‌های توثیق، با اطمینان می‌توان حکم به وثاقت علی بن حدید داد و از این رهگذر روایات او را نیز معتبر دانست.

۱۰. مذهب علی بن حدید

علمای رجال در خصوص مذهب علی بن حدید چهار دیدگاه متفاوت به شرح ذیل دارند:

۱-۱۰. فطحی مذهب

دیرینه‌ترین دیدگاهی که در خصوص مذهب علی بن حدید مطرح شده، کلام کثی طبق نقلی از نصر بن صباح است که او را فطحی مذهب خوانده:

قال نصر بن الصباح: علی بن حدید بن حکیم فطحی من أهل الكوفة...^{۷۱}

شبستری از علی بن حدید در کتاب أحسن التراجم لأصحاب الإمام موسى الكاظم عليه السلام با تعبیر «من ضعفاء محدثي الفطحية»^{۷۲} و در کتاب سبل الرشاد الی اصحاب الإمام الجواد عليه السلام با عبارت «محدث فطحی المذهب، ضعيف الحديث»^{۷۳} به عنوان یکی از محدثان ضعیف فطحی مذهب نام برده است. ابن داود حلی نیز به هنگام یادکرد از جماعتی از

۷۰. قبسات من علم الرجال، ج ۱، ص ۴۳۷.

۷۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۴۰.

۷۲. أحسن التراجم لأصحاب الإمام موسى الكاظم عليه السلام، ج ۱، ص ۳۹۹.

۷۳. سبل الرشاد الی اصحاب الإمام الجواد عليه السلام، ص ۱۷۸.

فطحیه، نام علی بن حدید را در انتهای قسم دوم از کتاب رجالش - که مختص به مجروحین و مجهولین است - آورده است.^{۷۴} این دیدگاه از سوی غالب علمای متأخر در تألیفاتشان بازتاب یافته است.^{۷۵}

در نقد این نظریه باید گفت که مستند معتقدان به دیدگاه اول، در واقع، نقل نصر بن صباح است. نامبرده یک راوی ضعیف و غالی مذهب است^{۷۶} که نمی‌تواند تکیه‌گاهی مطمئن برای پی بردن به حقیقت مذهب علی بن حدید باشد. بویژه، اگر بدانیم که کشتی نیز فطحی بودن علی بن حدید را به صراحت بیان ننموده و این امر نشان از عدم اعتماد به نقل نصر بن صباح دارد. حتی اگر نقل نصر بن صباح در فطحی بودن علی بن حدید را بپذیریم، اما قرآینی نظیر عدم استثنای نام او از راویان کتاب *نوادر الحکمة* نشان می‌دهد که به مذهب حق [شیعه امامیه] برگشته است. از همین رو، برخی از محققان، بیان شیخ در کتاب‌های *تهذیب الاحکام* و *الاستبصار* را مبنی بر فطحی خواندن علی بن حدید با گفته‌اش در کتب *الرجال* و *الفهرست* - که حتی اشاره‌ای به فطحی بودن وی نکرده و تنها او را از اصحاب امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام شمرده - متعارض دانسته و در مقام حل این تعارض گفته‌اند:

مگر این‌که گفته شود: شیخ طوسی به هنگام یادکرد از علی بن حدید در کتب *الرجال* و *الفهرست* اش به این نتیجه رسیده که رأی علی بن حدید تغییر کرده و به مذهب حق [شیعه امامیه] برگشته است. بر این اساس، فطحیه دانستن او یا بقای او بر مذهب فطحیه [تا آخر عمر] ثابت نیست.^{۷۷}

۲-۱۰. غالی مذهب

دومین دیدگاهی که درباره مذهب علی بن حدید مطرح است، باور به غالی بودن اوست. شیخ طوسی در کتاب *رجال* اش، تنها مدائنی بودن بوم زیست علی بن حدید^{۷۸} را یادآور شده است. همین امر موجب شده تا برخی از حدیث پژوهان نظیر محمد باقر بهبودی از کلام

۷۴. *رجال ابن داود*، ص ۵۳۳.

۷۵. به عنوان نمونه رک: ترتیب خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۲۹۷؛ منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال، ج ۷، ص ۳۴۸.

۷۶. *رجال الطوسی*، ص ۴۴۹؛ ترتیب خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۲۸۴.

۷۷. *اصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق*، ج ۲، ص ۳۹۵.

۷۸. علی بن حدید بن حکیم: کوفی، مولی الأزد، و کان منزله و منشؤه بالمدائن (*رجال الطوسی*، ص ۳۶۰).

شیخ چنین برداشت کنند که شیخ وی را تضعیف کرده و غالی مذهب دانسته است؛ زیرا از نظراینان تمام راویان مدائنی [و از جمله علی بن حدید،] غالی مذهب اند.^{۷۹} نظراینان به سخن نوبختی در فرق الشیعه است آنجا که گفته:

كان ابن الحارث... من أهل المدائن؛ إنّ أهل المدائن كلّهم غلاة، يقولون: من عرف الإمام فليصنع ما شاء...^{۸۰}

در نقد دیدگاه وارد شده، باید متذکر شویم عملکرد شیخ به هنگام برخورد با تعارض روایات برخی راویان فطحی مذهب مدائنی با روایات راویان شیعه امامیه در کتاب‌های تهذیب الأحکام والاستبصار^{۸۱} بسترساز برداشت ضعف علی بن حدید و اتهام او به غلو شده است و نه صرف مدائنی بودن او؛ زیرا:

اولاً. همگی راویان مدائنی غالی نیستند؛ بلکه برخی راویان ثقه نظیر حبيب بن معلل مدائنی، حدید بن حکیم مدائنی، محمد بن عذافر مدائنی، محمد بن عمرو بن سعید مدائنی، مرزم بن حکیم مدائنی و دیگرانی نیز در بین آن‌ها یافت می‌شود؛ ثانیاً. معنای کلام شیخ طوسی که می‌گوید: «کوفی، مولی الأزد، و کان منزله و منشؤه بالمدائن» آن است که او اصالتاً کوفی بوده، ولی در مدائن ساکن شده است. مشابه این تعبیر در کتب رجال و تراجم رایج است و مراد معرفی زادگاه و محل سکونت راوی است و نه تضعیف او.^{۸۲}

۱۰-۳. توقف در مذهب راوی

گروهی از علما در خصوص مذهب علی بن حدید توقف کرده‌اند. به عنوان نمونه، ساعدی بدلیل منفرد بودن نقل نصر بن صباح ضعیف و غالی مذهب، فطحی بودن علی بن حدید را غیر ثابت دانسته است.^{۸۳} آیت الله داوری نیز گفته نصر بن صباح مبنی بر فطحی بودن علی بن حدید را با دیده تأمل نگریسته و دلیل آن را عدم اشاره علمای بزرگی نظیر نجاشی، شیخ طوسی، برقی و ابن شهر آشوب به فطحی بودن علی بن حدید معرفی می‌کند.

۷۹. معرفة الحديث، ص ۱۷۵.

۸۰. قاموس الرجال، ج ۶، ص ۳۰۲.

۸۱. رک: تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۰۱، ذیل حدیث ۴۳۵؛ الإستبصار، ج ۳، ص ۹۵، ذیل حدیث ۳۲۵.

۸۲. الضعفاء من رجال الحديث، ج ۲، ص ۳۸۸.

۸۳. همان، ج ۲، ص ۳۸۶.

اگر واقعاً فطحی بود، این بزرگان بدان اشاره می‌کردند^{۸۴}؛ بویژه، اگر با دأب نجاشی و طوسی آشنا باشیم که در صورت عامی بودن یا غیر امامی بودن راوی بدان اشاره می‌کردند.

۱۰-۴. امامی مذهب

در مقابل سه نظریه یادشده، عده‌ای از محققان او را امامی مذهب دانسته‌اند. صاحب کتاب *الفوائد الرجالية* بر این باور است که یادکرد ابن شهر آشوب از کتاب علی بن حدید، بدون وارد کردن طعن بر او، نشان از اعتبار علی بن حدید و سلامت مذهب [امامی بودن] او دارد.^{۸۵} به علاوه، ایشان گزارش کثی درباره علی بن حدید [مبنی بر مرجع قرار گرفتن علی بن حدید از سوی امام جواد علیه السلام در اختلاف بین اصحاب] را از دیگر دلایل امامی مذهب بودن علی بن حدید معرفی کرده است و فطحی دانستن علی بن حدید را به دلیل صدور آن از نصر بن صباح غالی مذهب، قابل اعتماد ندانسته است.^{۸۶}

خواجویی نیز فطحی خواندن علی بن حدید از سوی نصر بن صباح بلخی را منافی با گزارش کثی در ترجمه محمد بن بشیر^{۸۷} دانسته^{۸۸} و فحوای این گزارش را دلالت بر حسن اعتقاد علی بن حدید و اعتقاد او به امامت امام کاظم علیه السلام معرفی کرده و نه امامت برادرش عبدالله بن جعفر افطح تا بدین وسیله فطحی مذهب خوانده شود:

فإن هذا وما شاكله يدل على حسن اعتقاده، وقوله بإمامته عليه السلام، لا بإمامة أخيه عبد الله بن جعفر الأفطح ليكون فطحياً.^{۸۹}

خواجویی نه تنها عمیقاً به امامی بودن علی بن حدید باور دارد، حتی گزارش کثی در ترجمه هشام بن حکم^{۹۰} را دلیل بر جلالت قدر او دانسته و گفته است:

۸۴. اصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق، ج ۲، ص ۳۹۴.

۸۵. الفوائد الرجالية، ج ۱، ص ۴۰۳.

۸۶. همان، ج ۱، ص ۴۰۶.

۸۷. ... حدثني محمد بن عبد الله المسمعي، قال: حدثني علي بن حديد المدائني قال: سمعت من سأل أبا الحسن الأول عليه السلام فقال: اني سمعت محمد بن بشير يقول: انك لست موسى بن جعفر الذي أنت امامنا و حجتنا فيما بيننا و بين الله تعالى. قال، فقال: لعنه الله ثلاثاً... (اختيار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۷۸).

۸۸. الفوائد الرجالية، ص ۲۴۰.

۸۹. همان، ص ۲۴۱.

۹۰. علی بن محمد، عن أحمد بن محمد، عن أبي علي بن راشد، عن أبي جعفر الثاني عليه السلام قال: قلت: جعلت فداك قد اختلف أصحابنا، فأصلي خلف أصحاب هشام بن الحكم؟ قال: عليك بعلي بن حديد، قلت: فأخذ بقوله؟ قال: نعم



دستور امام جواد به حسن بن راشد که درباره نماز جماعت پشت سرهشام، از علی بن حدید بپرسد و به گفته وی عمل کند، دلیل بر جلال قدر اوست.^{۹۱}

بنا بر این، با توجه به شواهد و گزارش‌های تاریخی یادشده و سؤال وی از امام جواد درباره عمره در ماه رمضان - که قبلاً بدان اشاره شد - و نیز با توجه به فحوای روایات منقول از علی بن حدید، به دست می‌آید که علی بن حدید امامی مذهب بوده است.

۱۱. گفتمان‌های رایج در دوران علی بن حدید

از برآیند گزارشات وارد شده در خصوص یک راوی و تحلیل روایات منقول از او، به عنوان کنش زبانی اندیشمند یک بوم، می‌توان «بافت» رویدادهای رایج در آن زمان را شناسایی کرد و از این رهگذر، گفتمان‌های تولید شده در آن مقطع تاریخی را استخراج نمود. توضیح مطلب آن‌که، «کنش گفتاری در زمینه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی همچون جمع‌های دوستانه، برخوردهای حرفه‌ای سازمانی یا رقابت‌های سیاسی و... رخ می‌دهد. کنش‌های گفتاری پرشماری که همواره در یک جامعه رخ می‌دهد، پیوندهای خاصی میان مفاهیم مختلف ایجاد می‌کند و بدین سان، چارچوب فکری خاصی پدید می‌آورد که افراد جامعه، حتی بی‌آنکه خود بدانند از آن متأثرند و همه مفاهیم رایج در فضای فرهنگی آن جامعه، در آن معنا و تفسیر می‌شود. به این چارچوب فکری «گفتمان» می‌گویند».^{۹۲} در ادامه به دو گفتمان اصحاب ائمه به عنوان بخشی از مهم‌ترین گفتمان‌های دوره حیات علی بن حدید پرداخته می‌شود:

۱-۱۱. اختلاف میان اصحاب ائمه

یکی از متداول‌ترین بحث‌ها در دوران زیست علی بن حدید، اختلافاتی است که بین اصحاب ائمه علیهم‌السلام گزارش شده است و در مواردی این اختلاف به سؤال از امامان علیهم‌السلام نیز کشیده می‌شد. در ذیل، به دو نمونه اشاره می‌شود:

فلقیته علی بن حدید فقلت له: نصلی خلف أصحاب هشام بن الحکم؟ قال: لا (اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۶۲).

۹۱. الفوائد الرجالية، ص ۲۴۱.

۹۲. «درآمدی بر گفتمان کاوی تاریخی؛ مطالعه موردی خطبه حضرت زینب علیها‌السلام در شام»، ص ۶۹.

۱۱-۱. اختلاف در حکم شرکت در نماز جماعت اهل سنت

در روایتی که مرتبط با علی بن حدید گزارش شده، چنین آمده است:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرِيَارٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ مَوَالِيكَ قَدْ اخْتَلَفُوا، فَأَصْلِي خَلْفُهُمْ جَمِيعًا؟ فَقَالَ: «لَا تُصَلِّ إِلَّا خَلْفَ مَنْ تَثِقُ بِدِينِهِ» ثُمَّ قَالَ: «وَلِي مَوَالٍ» فَقُلْتُ: أَصْحَابٌ، فَقَالَ - مُبَادِرًا قَبْلَ أَنْ أَسْتَتِمَّ ذِكْرَهُمْ -: «لَا، يَا مُرَّكَ عَلِيُّ بْنُ حَدِيدٍ بِهِذَا - أَوْ هَذَا مِمَّا يَأْمُرُكَ بِهِ عَلِيُّ بْنُ حَدِيدٍ» فَقُلْتُ^{۹۳}: نَعَمْ»^{۹۴}؛

علی بن راشد گوید که به امام جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: دوستداران شما [درباره نماز خواندن پشت سر امام جماعت از اهل سنت] اختلاف کرده‌اند. آیا پشت سر تمام افراد [اعم از شیعه و غیر شیعه] نماز بخوانیم؟ آن حضرت فرمود: «تنها پشت سرافرادی که نسبت به دینش اعتماد دارید، نماز بخوانید». آنگاه فرمود: «و علاوه بر این از موالیان و دوستان من باشند». [به آن حضرت] گفتم: مقصودتان یاران...؟ [ناگهان] قبل از آن که اسامی اصحاب را بیان کنم. آن بزرگوار فرمود: «نه^{۹۵}»، [از علی بن حدید پرس،] او تکلیف تو را در این باره مشخص می‌کند». [به حضرت] گفتم: آیا به گفته علی بن حدید عمل کنم، [امام] فرمود: بله.

۱۱-۲. اختلاف در گستره روضه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ارزشمندی برخی اماکن از جمله موضوعاتی است که در روایات صادر از معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به آن تصریح شده و این عظمت به دلیل حوادثی است که در آن مکان رخ داده است. بافضیلت دانستن یک مکان در روایات بدان معناست که اعمال و عبادات انسان در آن مکان برتر از اعمال و عبادات او در دیگر مکان‌هاست. این امر نزد مسلمانان در خصوص مکان‌هایی که برای آن محدوده معینی تعریف شده، از حساسیت خاصی برخوردار است؛ زیرا فرد مسلمان با انجام اعمال عبادی در خارج از آن محدوده، از ثواب آن مکان خاص محروم خواهد ماند. از جمله مکان‌های مقدس و دارای فضیلت روضه النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که

۹۳. احتمال دارد این بخش از روایت چنین بوده است: «قلت: أخذ بقوله؟ فقال: نعم» (مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۲۵۷).

۹۴. الکافی، ج ۶، ص ۳۲۵.

۹۵. شاید به دلیل غفلت سائل از مقام تقیه، امام به جای سائل، «نه» گفته است و یا این‌که، سائل می‌خواست به برخی از اصحاب هشام یا اصحاب یونس بن عبدالرحمن را بنام ببرد، ولی امام به سرعت و قبل از اتمام کلام سائل، با گفتن کلمه «نه» بدو گوشزد کرده که نام آن‌ها را مبر، زیرا موقعیت تقیه بود و سائل بدان توجه نداشت (مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۲۵۷).

در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مکانی بهشتی و بسیار مقدس خوانده شده است.^{۹۶} با بررسی روایتی منقول از علی بن حدید به دست می‌آید که یکی از گفتمان‌های مسلمانان در دوران حیات علی بن حدید اختلاف در گستره این مکان مقدس بوده و همین امر موجب شده تا مرازم [عموی علی بن حدید] این دغدغه شیعیان را در قالب پرسش از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام چنین مطرح کند که:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام عَمَّا يَقُولُ النَّاسُ فِي الرَّوْضَةِ؟ ... جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَمَا حَدُّ الرَّوْضَةِ؟
فَقَالَ: «بُعْدُ أَرْبَعِ أَسَاطِينٍ مِنَ الْمِنْبَرِ إِلَى الظَّلَالِ». فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، مِنَ الصَّخْرِ فِيهَا شَيْءٌ؟ قَالَ: «لَا».^{۹۷}

با تدقیق در بخش انتهایی پرسش مرازم: «جُعِلْتُ فِدَاكَ، مِنَ الصَّخْرِ فِيهَا شَيْءٌ؟» می‌توان چنین برداشت کرد که به احتمال فراوان، برخی از مردم، قسمتی از صحن را نیز جزو روضه می‌دانسته‌اند که امام این تصور مردم را نادرست می‌داند. جالب است که جمیل بن دزاج، یکی دیگر از مشایخ علی بن حدید، پرسشی با همین مضمون را با امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در میان می‌گذارد.^{۹۸} این امر حاکی از آن است که گفتمان اختلاف در گستره روضه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بین مردم آن عصر فراگیر بوده است.

۱۱-۳. اختلاف شخصی بین اصحاب و تلاش ائمه در راه حل آن

گاهی بین اصحاب ائمه اختلافی شخصی رخ می‌داد که آن حضرات از آن غافل نبودند و برای ایجاد الفت و دوستی میان آن‌ها تلاش می‌کردند؛ به عنوان نمونه، علی بن حدید از عمویش، مرازم، گزارش می‌دهد که مردی از شیعیان، به نام عیسی بن ابی منصور ملقب به شلقان - که مردی بداخلاق بود - نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام رفت و آمد داشت و امام هزینه زندگی وی را می‌پرداخت. مرازم به عنوان مسئول خدمت‌رسانی به منزل امام،^{۹۹} به علت بداخلاقی‌اش با او قهر کرد. روزی امام به مرازم فرمود: «ای مرازم آیا با عیسی مراوده داری و آیا

۹۶. الکافی، ج ۹، ص ۲۵۸.

۹۷. همان، ج ۹، ص ۲۶۰.

۹۸. عن جمیل بن دزاج، قال: سمعتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام يَقُولُ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا بَيْنَ مِثْبَرِي وَمِثْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَمِثْبَرِي عَلَى تَرْعَةٍ مِنْ تَرْعِ الْجَنَّةِ، وَصَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِيَمَا سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ». قَالَ جَمِيلٌ: قُلْتُ لَهُ: يُبَيِّتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَيْتِ عَلِيٍّ مِنْهَا؟ قَالَ: «نَعَمْ، وَأَفْضَلُ» (همان، ج ۹، ص ۲۶۳-۲۶۴).

۹۹. شرح الکافی: الأصول والروضه، ج ۹، ص ۳۸۹.

با او سخن می‌گویی؟ عرض کردم: بله. آن بزرگوار فرمود: «کار درستی کردی. هیچ خیری در دوری و قهر نیست».^{۱۰۰}

۱۱-۲. پذیرش مقام «فصل الخطابی» امام علیه السلام نزد شیعیان

یکی از مهم‌ترین وظایف امام معصوم علیه السلام در جامعه حل و فصل امور اختلافی افراد است. این حقی برای رهبری و تکلیفی برای امت خواهد بود که در امور شرعی و اجتماعی خود به رهبر مراجعه کرده و سخن او را به عنوان خاتمه دهنده بر اختلافی ترجیح دهند. از روایات علی بن حدید برمی‌آید که این مطلب، از سوی اصحاب ائمه، کاملاً پذیرفته شده بود.

وی نقل کرده که حُمران بن اعین به امام باقر علیه السلام عرض کرد: فدایت شوم، ما همراه اهل سنت در روز جمعه نماز می‌خوانیم ... تکلیف چیست؟ امام فرمود: «با آن‌ها نماز بگذار». آنگاه، حمران به سوی زراره روانه شد و به او گفت: ما مأموریم که با اهل سنت نماز بخوانیم. زراره گفت: این گفته امام قطعاً تأویل دارد [امام این مطلب را در شرایط تقیه فرموده است]. حمران به زراره گفت: بلند شو تا [حکم این مسأله را] شخصاً از امام علیه السلام بشنوی. حمران گوید بر امام علیه السلام وارد شدیم. زراره به امام عرض کرد: فدایت شوم، حمران پنداشته که شما ما را به نماز با آن‌ها امر کرده‌اید، ولی من سخن حمران را انکار کردم. آن حضرت فرمود: «علی بن حسین علیه السلام با اهل سنت دو رکعت نماز می‌گذارد و هنگامی که فارغ می‌شد، بلند می‌شد و دو رکعت به آن اضافه می‌کرد».^{۱۰۱}

گرچه این گزارش شرایط تقیه‌آمیز بودن آن دوران را ترسیم می‌کند، اما مهم‌ترین که مقام «فصل الخطابی» امام معصوم علیه السلام نزد صحابیان بزرگ آن حضرت، امری مقبول و مورد پذیرش بوده است.

نتیجه‌گیری

علی بن حدید بن حکیم از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام و دارای کتابی بوده که با توجه به مشرب فقهی او، احتمال می‌رود مشتمل بر روایات فقهی بوده باشد. تضعیف شیخ طوسی در تهذیب الاحکام و الاستبصار سبب شده تا عدم وثاقت علی بن حدید، نظر مشهور علمای متأخر گردد. از سویی، تنها آبشخور دیدگاه شیخ طوسی در

۱۰۰. الکافی، ج ۴، ص ۵۵.

۱۰۱. همان، ج ۶، ص ۳۲۷.

تضعیف علی بن حدید، نقل نصر بن صباح است که قابل اعتماد نیست. حتی اگر نقل نصر بن صباح را در فطحی بودن علی بن حدید بپذیریم، باز هم، به احتمال قریب به یقین، او در دوره‌ای به مذهب شیعه امامیه برگشته و با همین عقیده از دنیا رحلت فرموده است. براین اساس، علی بن حدید از نظر رجالی موثق بوده و روایاتش دارای اعتبار هستند.

کتابنامه

- أحسن التراجم لأصحاب الإمام موسى الكاظم عليه السلام، عبدالحسين شبستري، مشهد: المؤتمر العالمي للإمام الرضا عليه السلام، أول، ۱۴۱۱ق.
- أحكام الخلل في الصلاة، مرتضى بن محمد امين انصاري، قم: كنگره جهانی بزرگداشت شيخ اعظم انصاري، أول، ۱۴۱۳ق.
- اختيار معرفة الرجال، محمد بن عمر كشي، قم: مؤسسة آل البيت : لإحياء التراث، أول، ۱۴۰۴ق.
- الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، محمد بن حسن طوسي، تهران: دار الكتب الإسلامية، أول، ۱۳۹۰ق.
- اصول علم الرجال بين النظرية والتطبيق، مسلم داوري، تصحيح: حسن عبودي، قم: مؤسسة الراشد للمطبوعات، چهارم، ۱۴۳۴ق.
- الأنساب، ابو سعيد سمعاني، تحقيق: عبدالرحمن بن يحيى المعلمي، حيدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية، أول، ۱۳۸۲ق.
- إيضاح الإشتباه، علامه حسن بن يوسف حلي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، أول، ۱۴۱۱ق.
- بحوث في علم الرجال، محمد آصف محسنی، قم: مركز المصطفى العالمي للترجمة و النشر، پنجم، ۱۴۳۲ق.
- ترتيب خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، علامه حسن بن يوسف حلي، مشهد: بنياد پژوهش های اسلامی، أول، ۱۳۸۱ش.
- تهذيب الأحكام، محمد بن حسن طوسي، تهران: دار الكتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، محمد حسن نجفی، تحقيق: عباس قوچانی، علی آخوندی، بيروت: دار إحياء التراث العربي، هفتم، ق.
- الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، يوسف بن احمد بحرانی، تحقيق: محمد تقی ایروانی و عبدالرزاق مكرم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، أول، ۱۴۰۵ق.

- الرجال، احمد بن حسين غضائرى، قم: دار الحديث، سازمان چاپ و نشر، قم: چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- ذخيرة المعاد فى شرح الإرشاد، محمد باقر سبزواری، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، اول، ۱۲۴۷ق.
- رجال الطوسى، محمد بن حسن طوسى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، اول، ۱۳۷۳ش.
- رجال النجاشى، احمد بن على نجاشى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ششم، ۱۳۶۵ش.
- سبل الرشاد الى اصحاب الإمام الجواد عليه السلام، عبدالحسين شبستري، قم: المكتبة التاريخية المختصة، اول، ۱۴۲۱ق.
- شرح الكافي: الأصول والروضة، محمد صالح بن احمد مازندراني، تهران، المكتبة الإسلامية، اول، ۱۳۸۲ق.
- الضعفاء من رجال الحديث، حسين ساعدي، قم: دار الحديث، اول، ۱۴۲۶ق.
- عدّة الأصول، محمد بن حسن طوسى، محقق: محمد رضا انصارى قمى، قم: چاپخانه ستاره، اول، ق.
- فرج المهموم، سيد بن طاووس حلى، قم: دار الذخائر، اول، ق.
- الفوائد الرجالية، محمد مهدى بن مرتضى بحرالعلوم، تهران: مكتبة الصادق عليه السلام، اول، ۱۳۶۳ش.
- الفوائد الرجالية، اسماعيل بن محمد حسين خواجويى، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، اول، ۱۴۱۳ق.
- فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول، محمد بن حسن طوسى، قم: مكتبة المحقق الطباطبائى، اول، ۱۴۲۰ق.
- قاموس الرجال، محمد تقى شوشترى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، دوم، ۱۴۱۰ق.
- قبسات من علم الرجال، محمد رضا سيستانى، بيروت: دار المورخ العربى، تحقيق: محمد بكاء، اول، ۱۴۳۷ق.
- كامل الزيارات، جعفر بن محمد ابن قولويه، تحقيق: عبدالحسين امينى، نجف اشرف: دارالمرتبضوية، اول، ۱۳۵۶ش.
- الكافي، محمد بن يعقوب كلينى، قم: دار الحديث، اول، ۱۴۲۹ق.
- كتاب الرجال، احمد بن محمد بن خالد برقى، تهران: دانشگاه تهران، اول، ۱۳۴۲ش.
- كتاب المنزار، محمد بن محمد مفيد، قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، اول، ۱۴۱۳ق.

- کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی تبریزی، قم: حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۰ق.
- مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، احمد بن محمد اردبیلی، تحقیق: مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاودی، آقا حسین یزدی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۰۳ق.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم: دار الکتب الإسلامية، دوم، ۱۳۷۱ق.
- مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، علامه حسن بن یوسف حلی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، تهران: دار الکتب الإسلامية، دوم، ۱۴۰۴ق.
- المنار الكبير، محمد بن جعفر مشهدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۹ق.
- مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام، فاضل کاظمی و جواد بن سعد اسدی، بی جا، بی نا، اول، بی تا.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، اول، ۱۴۰۸ق.
- مستمسک العروة الوثقی، سید محسن طباطبایی حکیم، قم: مؤسسه دار التفسیر، اول، ۱۴۱۶ق.
- المعتبر فی شرح المختصر، جعفر بن حسن حلی، تحقیق: محمد علی حیدری، مهدی شمس الدین، ابو محمد مرتضوی، علی موسوی، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، اول، ۱۴۰۷ق.
- معجم البلدان، یاقوت بن عبدالله حموی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۳۹۹ق.
- معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، ابوالقاسم خویی، بی جا، بی نا، پنجم، ۱۴۱۳ق.
- معرفة الحديث، محمد باقر بهبودی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۶۲ش.
- منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال، محمد بن علی استرآبادی، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، اول، ۱۴۲۲ق.
- «درآمدی برگزیده کماوی تاریخی؛ مطالعه موردی خطبه حضرت زینب علیه السلام در شام»، محمد نصرآوی، صحیفه مبین، شماره ۵۷، ۱۳۹۴ش.